



دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی

عنوان: بررسی مقایسه ای ویژگیهای شخصیت و سبک دلبستگی
همسران خیانت دیده ، همسران بی وفا و همسران عادی.

استاد راهنما:
فریده عامری

دانشجو :
لیلا ترا بیان

تابستان ، ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ

پایان نامه دانشجو لیلا ترابیان با عنوان «بررسی مقایسه ای ویژگیهای شخصیت و سبک
دل بستگی همسران خیانت دیده ، همسران بی وفا و همسران عادی» جهت دریافت درجه
کارشناسی ارشد در روانشناسی بالینی از دانشگاه الزهرا با درجه.....مورد تایید می
باشد

استاد راهنما
دکتر فریده عامری



دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی

عنوان: بررسی مقایسه ای ویژگیهای شخصیت و سبک دلبستگی
همسران خیانت دیده ، همسران بی وفا و همسران عادی.

استاد راهنما:
فریده عامری

استاد مشاور :
روشنک خدابخش

دانشجو :
لیلا ترا بیان

تابستان ، ۱۳۹۰

چکیده :

بی وفایی و بی تعهدی نسبت به همسر عامل از همگسیختگی ساختار خانواده و نیز زایل کننده کارکرد مثبت این ساختار است، اما اطلاعات کمی از ویژگیهای افراد مستعد و عوامل زمینه ساز خیانت وجود دارد . طرح پژوهش علی مقایسه ای می باشد ، هدف از این پژوهش مقایسه تفاوت ویژگیهای شخصیت و سبک دلبستگی زنان خیانت دیده ، مردان بی وفا در مقایسه با همسران عادی (بدون چنین تجاربی) می باشد . بدین منظور ۳۹۷ (زن و مرد) برای مطالعه انتخاب شدند. برای جمع آوری داده از پرسشنامه های (شخصیت NEO ، ۶۰ سوالی و سبک دلبستگی بزرگسالان RAAS) استفاده شده است. داده های بدست آمده از طریق روش تحلیل واریانس یک راهه ، آزمون تی مستقل مورد بررسی قرار گرفته است . نتایج پژوهش نشان داده است که زنان خیانت دیده (دادگاه) میزان نوروپیک بالاتر ، زنان خیانت دیده (مراکز مشاوره) وجدان گرایی بالاتری نسبت به زنان عادی داشته اند . میزان اضطراب و اجتناب دلبستگی در زنان مراکز مشاوره و زنان دادگاه تفاوت معناداری نشان می دهد . مردان بی وفا میزان نوروپیک بالاتر ، وجدان گرایی پائین تر ، میزان اضطراب کمتر و اجتناب دلبستگی بیشتر نسبت به مردان عادی داشته اند .

کلید واژه : شخصیت ، دلبستگی ، همسران خیانت دیده ، مردان بی وفا ، همسران عادی.

فصل اول : گستره مسئله مورد بررسی

۱	۱-۱ مقدمه
۲	۱-۲ بیان مسئله
۵	۱-۳ اهمیت و ضرورت پژوهش
۸	۱-۴ اهداف پژوهش
۸	۱-۵ فرضیه های پژوهش
۹	۱-۶ تعاریف نظری
۹	۱-۶-۱ تعریف خیانت
۱۰	۱-۶-۲ تعریف دل بستگی
۱۱	۱-۶-۳ تعریف شخصیت
۱۲	۱-۶-۴ پنج عامل بزرگ شخصیت
۱۳	۱-۷ تعاریف عملیاتی

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱۶	۲-۱ تعاریف مختلف خیانت
۲۰	۲-۲ انواع خیانت
۲۰	۲-۲-۱ اجتناب از تعارض
۲۰	۲-۲-۲ اجتناب از صمیمیت
۲۰	۲-۲-۳ فردی (وجودی)
۲۱	۲-۲-۴ اعتیاد جنسی (پارافیلیایی)
۲۲	۲-۲-۵ خیانت های اتفاقی
۲۴	۲-۲-۶ زن دوست بودن
۲۴	۲-۲-۷ مجازات
۲۵	۲-۲-۸ ناراضی تری از ازدواج
۲۶	۲-۲-۹ خیانت های خروجی
۲۶	۲-۲-۱۰ زندگی های موازی
۲۷	۲-۲-۱۱ خیانت های آن لاین

شماره صفحه	فهرست مطالب
۲۸	۱۲-۲-۲- روابط توافقی
۲۹	۱۳-۲-۲- خیانت های وسیله ای
۳۰	۳-۲- مراحل بی وفایی و خیانت
۳۲	۴-۲- علل بی وفایی و خیانت
۳۳	۱-۴-۲- عدم ارضای نیازها
۳۵	۲-۴-۲- نگرش سهل گیرانه به خیانت
۳۶	۳-۴-۲- نارضایتی زناشویی
۳۸	۴-۴-۲- نارضایتی جنسی زوجین
۴۱	۵-۴-۲- سبک دلبستگی
۴۲	۱-۴-۵-۲- دلبستگی و بی وفایی
۴۶	۲-۴-۵-۲- دلبستگی و واکنش افراد به خیانت
۵۱	۳-۴-۵-۲- دلبستگی و وسواس های عشقی
۵۲	۶-۴-۲- شخصیت
۶۳	۷-۴-۲- شخصیت نارسیست و خیانت
۶۵	۸-۴-۲- یادگیری و تکرار الگوهای خانوادگی
۶۶	۹-۴-۲- مذهب
۷۰	۵-۲- تفاوت های جنسی در خیانت
۷۱	۶-۲- سطح تحصیلات و خیانت
۷۲	۷-۲- نگرش های متفاوت به خیانت
۷۳	۸-۲- نقش فرهنگ و خیانت
۷۴	۹-۲- واکنش متفاوت به خیانت
۷۸	۱۰-۲- شیوع و پیامدها
۸۰	۱۱-۲- آسیب های همسر اقدام کننده به خیانت
۸۱	۱۲-۲- آسیب های همسر خیانت دیده
۸۲	۱۳-۲- نظریه های شخصیت
۸۲	۱-۱۳-۲- نظریه فروید

شماره صفحه	فهرست مطالب
۸۳	۲-۱۳-۲ دیدگاه فروید از خیانت
۸۹	۲-۱۳-۳ دیدگاه کارل یونگ
۹۰	۲-۱۳-۴ نظریات آلفرد آدلر
۹۱	۲-۱۳-۵ نظریات کارل راجرز
۹۳	۲-۱۳-۶ نظریات اریک اریکسون
۹۳	۲-۱۳-۷ نظریات گوردون آلپورت
۹۶	۲-۱۴ هرزه نگاری ، شخصیت ، خیانت
۱۰۰	۲-۱۵ نظریات دلپستگی
۱۱۴	۲-۱۶ مروری بر یافته های قبلی
	فصل سوم : روش شناسی پژوهش
۱۲۸	۳-۱ طرح پژوهش
۱۲۸	۳-۲ جامعه آماری
۱۲۹	۳-۳ نمونه آماری
۱۳۲	۳-۴ ابزارهای جمع آوری اطلاعات
۱۴۷	۳-۵ روشهای تحلیل آماری
	فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده ها
۱۵۱	۴-۱ بررسی توصیفی داده ها
۱۵۸	۴-۲ تجزیه و تحلیل استنباطی داده ها
	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۱۷۲	۵-۱ بحث پیرامون فرضیات پژوهش
۱۸۵	۵-۲ محدودیت ها
۱۸۷	۵-۳ پیشنهادات
۱۹۱	منابع و ماخذ
۲۰۱	پیوست و ضمائم

شماره	عنوان جداول
صفحه	
۱۲۹	جدول ۱-۳- توزیع گروه نمونه
۱۳۱	جدول ۲-۳- توزیع گروه نمونه برحسب تحصیلات و شغل
۱۳۴	جدول ۳-۳- حیطه ها و جنبه های شخصیت
۱۴۴	جدول ۴-۳- نمره گذاری سوالات پرسشنامه RAAS
۱۴۵	جدول ۵-۳- آلفای کرونباخ در پرسشنامه RAAS
۱۴۶	جدول ۶-۳- قابلیت اعتماد پرسشنامه RAAS
۱۵۴	۴-۱- توزیع نمونه مورد بررسی بر حسب میانگین سبک دل بستگی
۱۵۵	۴-۲- توزیع نمونه مورد بررسی بر حسب ویژگیهای شخصیت مردان
۱۵۶	۴-۳- توزیع نمونه مورد بررسی بر حسب سبک دل بستگی زنان
۱۵۷	۴-۴- توزیع نمونه مورد بررسی بر حسب میانگین شخصیت زنان
۱۵۸	۴-۵- تحلیل واریانس مقایسه میزان نورو تیک در زنان
۱۵۹	۴-۶- تحلیل واریانس مقایسه ویژگیهای شخصیت در زنان
۱۶۱	۴-۷- تحلیل واریانس مقایسه سبک های دل بستگی در زنان
۱۶۲	۴-۸- آزمون شفه مقایسه ویژگیهای شخصیت زنان
۱۶۳	۴-۹- آزمون شفه مقایسه سبک دل بستگی
۱۶۴	۴-۱۰- آزمون تی مستقل / مقایسه میانگین نوروز گرایی و برون گرایی
۱۶۵	۴-۱۱- آزمون تی مستقل / مقایسه میانگین تجربه گرایی
۱۶۶	۴-۱۲- آزمون تی مستقل / مقایسه میانگین انعطاف پذیری و وجدان گرایی
۱۶۷	۴-۱۳- آزمون تی مستقل / مقایسه میانگین سبک های دل بستگی

شماره صفحه	عنوان نمودارها
۱۵۱	۴-۱- توزیع فراوانی مردان بر حسب سبک ازدواج
۱۵۲	۴-۲- توزیع فراوانی زنان بر حسب سبک ازدواج
۱۵۳	۴-۳- توزیع فراوانی برحسب داشتن / نداشتن فرزند

فصل اول :

گستره مسئله مورد بررسی

۱-۱. مقدمه

زندگی حق مسلم انسان‌ها و ازدواج حق طبیعی آنهاست. مرد و زن به عنوان دو عنصر مکمل یکدیگر مظهر یکی از نهادهای اساسی و بنیان‌های هستی‌بخش عالم امکان می‌باشند و در عین حال ترکیب این دو به حیات و زندگی تداوم می‌بخشد و از انقراض نسل آدمی جلوگیری می‌کند. ازدواج باعث می‌گردد که، انواع لذت‌های جنسی در محیط و درون خانواده شکل گیرد و از این طریق آرامش روحی و روانی و پیوند‌های عاطفی نیز برقرار بماند.

اولین نقش و وظیفه هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط زن و مرد بر پایه اصول و منطق است، زیباترین و انسانی‌ترین شکل این قانونمندی ازدواج می‌باشد که با یک زیربنای بیولوژیکی و زیستی شکل گرفته و خانواده را به وجود می‌آورد. خانواده پناهگاه انسان اجتماعی است، مأمونی که به دلخواه برگزیده می‌شود تا جایی برای سکون و آرامش باشد. راز تداوم حیات خانواده به عوامل بستگی دارد که این عوامل با معیارها و هنجارهای دیگری چون سنت‌ها، مذهب و اقتصاد درمی‌آمیزد و ساختاری مشخص یافته را برای هر جامعه‌ای به وجود می‌آورد. نقش خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی یا کارکردهای مختلف آن، می‌تواند هم در جنبه مثبت آن یعنی ایجاد کانون آرامش و هم در جنبه منفی یعنی ایجاد آسیب اجتماعی، بسیار مهم و تأثیرگذار باشد. وجوه منفی پدید آمده از درون این نهاد است که آثار مخرب آن در ابعاد اجتماعی، فوق‌العاده زیاد بوده و موجب ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی بسیاری می‌شود. یکی از آسیب‌هایی که در خانواده‌ها در دهه اخیر بیشتر به چشم می‌خورد مسئله بی‌وفایی و کم‌رنگ

شدن تعهدات زناشویی در بین زوجین می باشد . بی وفایی و بی تعهدی نسبت به همسر، عامل از همگسیختگی و نیز زایل کننده کارکرد مثبت خانواده است .

هدف از تشکیل خانواده ایجاد آرامش و بالا بردن درصد سلامت روان افراد است . پژوهش ها حکایت از افزایش میزان سلامت روان در افراد متأهل دارند. اما چه می شود که ، گاه همین عامل آرامش بخش می شود بلای جان و آرزوی خاتمه آن برای یکی از زن یا شوهر به رویا تبدیل می شود. چه می شود که گاه زن و شوهرها در یادآوری خاطرات روزهای اول آشنایی و ازدواج لبخند تمسخر می زنند و خود را نادان خطاب می کنند و چه می شود که توصیه بسیاری از افراد متأهل به مجردها تن ندادن به ازدواج است.

۲-۱. بیان مسئله :

کارکردهای (مثبت و منفی) خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماع ، تاثیرات مختلفی ، در اجتماع به همراه خواهد داشت . یکی از کارکردهای منفی خانواده که امروزه شاهد رواج بیشتر آن می باشیم ، پدیده خیانت و بی وفایی زوجین می باشد . منظور از خیانت داشتن ارتباط جنسی یا عاطفی با شخص دیگری غیر از همسر می باشد (هرتلین^۱ و همکاران، ۲۰۰۵). بی وفایی و نقض تعهدات زناشویی در نهایت منجر به ابتدال ، فروپاشی و طلاق بین زوجین می گردد . بسیاری از افراد با شنیدن کلمه بی وفایی و خیانت ، نارضایتی زناشویی را به عنوان عمده ترین عامل شکل گیری روابط فرازناشویی قلمداد می نمایند . همانطور که می دانیم ، در جامعه ما بسیاری از زوجینی که به ظاهر در کنار یکدیگر زندگی می نمایند رضایت کافی از این روابط صوری ندارند ، و به دلیل مسائل فرهنگی ، مذهبی ، قانونی ، اقتصادی ، بسیاری از افراد ناراضی ، ترجیح به ادامه روابط زناشویی می دهند . بنابراین چنین افرادی اقدام به حفظ و تداوم ازدواج بدون رضایت کافی از روابط زناشویی ، می نمایند . اما در چنین ازدواجی نیازهای روانی افراد ناکام باقی می ماند و

¹ Hertelne

طرفین قادر به تامین نیازهای عاطفی یکدیگر نمی باشند . در این میان عده ای از این افراد سعی می نمایند که با برقراری روابط فرازناشویی اقدام به پرمودن خلاءهای موجود در روابط کنونی نمایند . و از درون این روابط ناخشنود کننده مسائلی مانند خیانت ، بیرون می تراود . از دید این افراد چنین روابطی می تواند نیازهای عاطفی ارضا نشده آنها را تامین نماید .

البته موضوع خیانت تنها به زوجین ناسازگار و ناراضی مربوط نمی گردد ، به طوری که در پژوهش گلاس و رایت ، (۱۹۸۵) ، نیز اثبات شده است که ۵۶٪ مردان و ۳۴٪ زنانی که اقدام به خیانت نموده اند ازدواجهای موفقتری داشته اند و رضایت زناشویی بالایی را گزارش داده اند (ویتمن^۱ ، میشل^۲ و همکاران ، ۲۰۰۴).

به عبارت دیگر روابط فرازناشویی تنها به زوجین ناسازگار با رابطه زناشویی ناخوشایند محدود نمی گردد ، و افرادی که زندگی و روابط زناشویی خوشایند و ارضا کننده ای دارند ، نیز ، اقدام به این عمل می نمایند . با این حال چرا حتی برخی از افرادی که زندگی و رابطه زناشویی خوشایندی دارند اقدام به خیانت می نمایند؟

از دید بسیاری از صاحب نظران ، خیانت و بی وفایی یک امر پیچیده است و در عین حال عوامل مختلفی می تواند زمینه ساز آن باشد . بنابراین نمی توان در مورد عوامل زمینه ساز خیانت نتیجه گیری خطی نمود و باید بدانیم که پدیده ای مانند خیانت بسیار پیچیده و با عوامل مختلفی در ارتباط می باشد .

به نظر می رسد عواملی دیگری غیر از رضایتمندی زناشویی ، می تواند زمینه ساز روابط فرازناشویی گردد . از آنجایی که تاثیر شخصیت بر تعبیر و تفسیر پدیده ها یکی از مسلمات روان شناسی است ، به ندرت می توان جنبه ای از رفتار انسان را یافت که در آن تفاوت های فردی نقش

¹ Whitman

² Mitchell

نداشته باشد . تفاوت‌های فردی در کیفیت روابط زناشویی تاثیر گذار می باشد (احدی ، ۱۳۸۷) . و افراد با ویژگی‌های شخصیتی متفاوت واکنش های متفاوتی در تعاملات زناشویی نشان می دهند. از جمله عوامل مهمی که بر کیفیت روابط زوجین تأثیر می گذارد، صفات شخصیتی آنان است.

افراد در زمینه رفتارهای جنسی و روابط زناشویی ، ترجیحات ، نگرشها و تفاوت‌های زیادی نشان می دهند. فهم این تفاوت‌های فردی در رفتار جنسی در هر دوجنبه عملی و تئوری مهم می باشد .

از دید بسیاری از صاحب‌نظران ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی و مشکلات دوران کودکی با مراقبان اصلی می تواند در سایر روابط صمیمانه دوران بزرگسالی نیز نمود یابد. تعارضهای درونی حل نشده خانواده مبدا ، کماکان در روابط صمیمی آتی با همسر و فرزندان برون ریزی یا تکرار می شود.

بنا برنظر فیبرن ، (۱۹۵۴) ، هر چه فرد در دوران کودکی دچار مشکلات بیشتر و سبک دلبستگی نا ایمن تر باشد ، این شخص با انتظاراتی مخدوش و تحریف شده ازدیگران بزرگ می شود و به صورت ناهشیار ، اشخاص صمیمی را وا می دارد تا با این الگوهای درونی از نقشها جور شوند .و فرد بزرگسال برای جور کردن تمامی روابط صمیمی با این نقش های درونی ، تلاشهای ناهشیار بیشتری به عمل می آورد (سید محمدی ، ۱۳۸۹) .

این نکته درازدواج اهمیت فراوانی پیدا می کند . بر طبق دیدگاه طرفداران نظریه روابط فردی اشخاصی که در ازدواج به یکدیگر می پیوندند ، هر کدام دارای تاریخچه شخصی ، یک شخصیت بی همتا و مجموعه ای از افراد درونی کرده مخفی هستند که آنها را در تمامی تبادلاتی که متعاقبا با یکدیگر خواهند داشت ، دخالت می دهند (سید محمدی ، ۱۳۸۹) .

همانطور که شرح آن گذشت شاید بتوان چنین استنباط نمود ، بررسی سبب شناسی خیانت از طریق هر دو طرف در گیر در این پدیده اطلاعات بیشتر و گسترده تری برای ما به همراه خواهد داشت . به عبارت دیگر ویژگیهای شخصیتی و سبک دلبستگی زوجین می تواند ، به عنوان یکی از عوامل زمینه ساز این پدیده تاثیر گذار باشد. بنابراین در این پژوهش سعی شده است به ویژگیهای شخصیت و سبک دلبستگی همسرانی که تجربه بی وفایی و خیانت را داشته اند متمرکز شویم و به بررسی این دیدگاه پردازیم که ویژگی های شخصیت و سبک دلبستگی زوج خیانت دیده و زوج بی وفا تا چه حد با افرادی که تجربه خیانت نداشته اند ، متفاوت می باشد.

بر اساس آنچه شرح آن گذشت سبک دلبستگی و ویژگی های شخصیت یکی از عوامل تاثیر گذار در روابط صمیمانه فرد به شمار می رود . نکته اصلی که ذهن را متاثر می نماید ، بررسی این مسئله است که ، افراد با سبک دلبستگی ناایمن و صفات شخصیتی همچون نورو تیک تا چه حد می توانند ، در همراهی کردن همسر خود به خیانت تاثیر گذار باشند . همچنین احتمال دارد که افراد با ویژگیهای شخصیتی و سبک دلبستگی خاص نسبت به سایر افراد بیشتر مستعد بی وفایی و خیانت به همسر شوند .

۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش :

با توجه به اینکه نهاد خانواده در کشور ما همواره از استحکام و غنای خاصی برخوردار بوده است و بیشتر مسائل فرهنگی و شخصیتی و اجتماعی ما در کانون خانواده شکل می گیرد ، از این رو تحقیق در این زمینه ، هم می تواند روشنگر برخی ویژگی های اجتماعی و فرهنگی ما باشد و هم به شناخت و برنامه ریزی در جهت حفظ ، ثبات و استحکام نهاد خانواده یاری رساند . نظر به نقش مهم خانواده در جامعه، از هم گسیختگی خانواده عموماً با عوارض نامطلوبی همراه بوده و در هر جامعه همواره سازوکارهایی جهت استحکام خانواده وجود دارد .

بهداشت روانی نسل های جامعه در گرو تأمین بهداشت روانی خانواده به عنوان یک کانون مملو از محبت و آرامش برای تحول در رشد استعدادهاست ، که هر گونه آسیبی به آن، نسل آینده را از آثار سوء خود مصون نخواهد گذاشت و سازمان های اجتماعی زیادی را درگیر خود خواهد ساخت. با این وجود متأسفانه شاهد افزایش بیش از انتظار نرخ اژهه پاشیدگی خانواده به علت بی وفایی و خیانت های زناشویی هستیم (باس و شاکلفورد^۱ ، ۱۹۹۷) و این در حالی است که توصیه های اخلاقی زیادی در مورد تشکیل خانواده و تلاش برای حفظ آن با نیت تقرب به ذات اقدس وی در متون اسلامی آمده است .

خیانت ، یکی از دلایل اصلی طلاق زوجین (باس و شاکلفورد، ۱۹۹۷) و موضوعی اصلی برای زوج‌درمانگران در کار بالینی (بلو^۲ ، هارتنت^۳ ، ۲۰۰۵) است ، اما اطلاعات کمی از افراد مستعد و زمینه‌های افزایش خیانت وجود دارد (باس و شاکلفورد ، ۱۹۹۷) . به عبارت دیگر، با اینکه یکی از علل اصلی طلاق ها و درگیری های زناشویی ، خیانت می باشد ، اطلاعات اندکی درباره اینکه کدام اشخاص آمادگی بیشتری به خیانت دارند ، موجود می باشد . آمارها نشان می دهد که در طول زندگی مشترک برخی از همسران مرتکب خیانت به همسر خود می شوند . خیانت مشکل عمده ای برای بسیاری از زوجین است و برآورد شده است که ۲۶-۷۰٪ زنان و ۳۳-۷۷٪ مردان متاهل در طی زندگی اقدام به خیانت می نمایند (پلات^۴ ، نالبون^۵ ، کازانووا^۶ ، ویچلر^۷، ۲۰۰۸) . افزایش روزافزون خانواده هایی که بر اثر چنین پدیده ای دچار بحران شدید می گردند ، بیانگر ضرورت تحقیقات و اقدامات صاحب‌نظران در این زمینه می باشد .

¹ Buss & Shackelford

² Blow.A.J

³ Hartnet.K

⁴ Plate

⁵ Nalbone

⁶ Casanova

⁷ Wetchler

روابط فرازناشویی جنسی عمدتاً علل انحلال ازدواجها می باشد و موجب تعارضهای زناشویی زیادی شده است. تحقیقات نشان داده است که در ازدواجهایی که یکی از زوجین دست به خیانت می زند احتمال طلاق افزایش می یابد و افرادی که به قصد ازدواج با معشوقه، همسر پیشین خود را طلاق داده اند از کرده خود پشیمان می گردند (اگن^۱، ۲۰۰۵). به عبارت دیگر افرادی که اقدام به خیانت می نمایند در نهایت دچار پشیمانی می گردند و در پی بازسازی رابطه با همسر خود برمی آیند. از طرفی نتیجه اقدام به خیانت ازسوی یکی از زوجین، مقابله به مثل نمودن این پدیده از سوی طرف مقابل می باشد، به طوری که کارشناسان مسائل اجتماعی متذکر شده اند که، متأسفانه خیانت به همسر اگر چه اکثراً از سوی زوج آغاز می شود، در سالهای اخیر به دلایلی این مسئله از سوی زوجه نیز به عنوان یک عمل متقابل و به بهانه انتقام از مرد بی وفا و یا بر طرف کردن کمبودهای عاطفی ناشی از بی توجهی همسر به کار گرفته می شود (اقلیما، ۱۳۸۹).

از آنجا که هر روز بر خیل مراجعان به مراجع قضایی، برای ارائه دادخواست به ویژه از سوی زنان (مبنی بر خواسته طلاق به علت خیانت و بی وفایی همسر) افزوده می شود، این سؤال مطرح می شود که علل شیوع این پدیده در کشورمان چه می باشد؟ آیا افرادی که اقدام به بی وفایی می نمایند، به سرنوشت نامعلوم و آینده فرزندان خود نمی اندیشند؟ میراث خیانت به همسر و در نتیجه طلاق و جدایی زوجین، فرزندان است که دچار جرایم اجتماعی سبک و سنگین می شوند؛ از جمله گرایش به اعتیاد، انحرافات اجتماعی و انجام بزه های مختلف در جامعه و ... که خود هزینه های غیر قابل جبرانی را که می توانست در جاهای مناسب تری صرف شود، به جامعه تحمیل می کند.

^۱ Vincent Egan

بنابراین مشکلات ناشی از خیانت و بی وفایی زوجین تنها محدود به روابط بین آنها نمی گردد و تمام اعضای خانواده از جمله فرزندان نیز از این مشکلات تاثیر می پذیرند . با توجه به آنچه در زمینه افزایش نرخ بی وفایی و خیانت در بین همسران ، ذکر شد ، در صورت تداوم و افزایش این آمار، ابتدال خانواده به عنوان اصلی ترین بنیان جامعه ، منجر به انحطاط کل جامعه می شود . نظر به افزایش این پدیده در جامعه مان و عدم اقدام مناسب از سوی دستگاه های مرتبط و مسوول ، به نظر می رسد انجام پژوهشهایی در این زمینه بسیار ضروری می باشد . تا شاید با یافتن عوامل زمینه ساز و تاثیر گذار در زمینه این پدیده و در نهایت درمانهای روانشناختی مناسب بتوانیم به افراد و خانواده های درگیر در این مسائل برای بازسازی خانواده و جامعه کمکهای لازم را فراهم آوریم. بنابراین پژوهش در زمینه خیانت با کشف و تعمیق شناخت پدیده مورد بحث همراه می باشد ، و زمینه شناخت علمی و گسترده آن موجب تصحیح برداشتها و باورهای قالبی از مسئله می شود و به ارتقای فرهنگ جامعه در زمینه فرهنگ زناشویی کمک می نماید . همچنین به تدوین برنامه های اجتماعی مناسب در جهت سالم سازی محیط و جلوگیری از پیامدها و آثار زیانبار این پدیده یاری می رساند .

۴-۱- هدف پژوهش :

هدف پژوهش مقایسه ویژگیهای شخصیت و سبک دلبستگی زنان خیانت دیده و مردان بی وفا در مقابل همسران بدون تجربه خیانت می باشد . این پژوهش قصد دارد به بررسی این احتمال بپردازد که ، آیا افراد با سبک دلبستگی خاصی مانند دلبستگی اجتنابی و اضطرابی بیشتر از افراد دلبسته ایمن در زندگی شان تجربه خیانت را گزارش می نمایند ، از طرفی صفات شخصیتی خاص مانند نورو گرایی و عدم سازگاری و سایر صفات شخصیت می تواند زمینه ساز شکل گیری این پدیده بین زوجین شود.

۵-۱- فرضیه های پژوهش :

۱- میزان نوروژ گرایبی در همسرانی که تجربه خیانت داشته اند (زنان مراجعه کننده به دادگاه ، زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره) ، بیشتر از همسرانی است که تجربه خیانت ندارند .

۲- میزان برونگرایبی ، تجربه گرایبی ، انعطاف پذیری و وجدان گرایبی در گروه های زنان متفاوت می باشد.

۳- میزان (ایمنی ، اضطراب ، اجتناب) دلبستگی در گروه های زنان متفاوت می باشد .

۴- میزان ، نوروژ گرایبی و برونگرایبی در همسران بی وفا نسبت به همسران عادی بیشتر می باشد .

۵- میزان تجربه گرایبی در همسران بی وفا نسبت به همسران عادی متفاوت می باشد.

۶- میزان انعطاف پذیری و وجدان گرایبی در همسران بی وفا نسبت به همسران عادی کمتر می باشد.

۷- میزان (ایمنی ، اضطراب و اجتناب) دلبستگی در همسران بی وفا نسبت به همسران عادی متفاوت می باشد .

۶-۱- تعاریف نظری مفاهیم:

۱-۶-۱. خیانت^۱:

خیانت به عنوان مجموعه ای از رفتارها یی در نظر گرفته می شود که بوسیله آن ، یک همسر از ارتباط معمول با همسرش تخطی می نماید و اقدام به تعامل با فرد دیگری غیر از همسر می نماید و در حقیقت این تخطی منجر به حسادت و رقابت می گردد . بنابراین خیانت از رفتاری که

¹ infidelity

صرفاً شامل گفتگو با فرد دیگری غیر از همسر می باشد و ظاهراً" ناقض ارتباط منحصر به فرد با همسر نمی باشد ، متمایز می باشد (درایگوت و همکاران ۲۰۰۰ به نقل از دونوان ، ۲۰۱۰).

این تخطی در روابط ممکن است شامل روابط جنسی با فرد دیگری غیر از همسر و یا تقسیم احساسات و عشق رومانتیک ، زمان ، و توجه به فرد دیگری غیر از همسر می باشد (شاکلفورد ، ۱۹۹۷). منظور از خیانت در این پژوهش هر گونه رابطه پنهانی ، بدون اطلاع و رضایت همسر با فردی از جنس مخالف می باشد ، این رفتار شامل (عقد دائم ، صیغه ، رابطه جنسی ، قرار ملاقات ، فرستادن گل ، صرف نهار ، صرف وقت ، فرستادن پیامک یا ایمیل های عاشقانه) و هر رفتار دیگری که از حالت بهنجار در زمینه ارتباط دوجنس مخالف خارج شده باشد و در نهایت ناقض تعهدات زناشویی ، گردد .

۲-۶-۱- دل بستگی :

دل بستگی عبارتست از پیوند عاطفی عمیقی که با افراد خاص در زندگی خود برقرار می کنیم طوری که باعث می شود وقتی که با آنها تعامل می کنیم ، احساس نشاط و شغف کرده و به هنگام استرس از اینکه آنها را در کنار خود داریم احساس آرامش می کنیم (سید محمدی ، ۱۳۸۷ ، ص ، ۲۷۲).

دل بستگی ایمن: افراد با دل بستگی ایمن ، دیدگاه مثبتی از خود و دیگران دارند . این افراد احساس ارزشمندی دارند و معتقدند دیگران پذیرا و قابل احترام می باشند . افرادی که دل بستگی ایمن دارند با جملات زیر موافق می باشند: «برای من تقریباً آسان است با دیگران رابطه عاطفی برقرار کنم» «من می توانم به راحتی دیگران را دوست داشته باشم و اجازه بدهم آن ها هم دوست داشته باشند» «من نگران این نیستم که تنها بمانم یا دیگران مرا نپذیرند» این دل بستگی اغلب ناشی از وجود تعاملات گرم و مثبت و پاسخ دهنده قبلی با فرد مورد دل بستگی (مادر) می باشد (پاسایی ،